

نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار

محمدعلی قاسمی*

چکیده

دو پارادایم امنیت انسانی و توسعه پایدار، پس از پایان جنگ سرد و با پیش‌گامی ارگان‌های سازمان ملل طرح شده‌اند. طرح دو پارادایم مذکور، نشان از آن دارد که محققان و پژوهش‌گران مطالعات امنیت ملی، در پارادایم‌های سابق کاستی‌هایی مشاهده می‌کردند. از این رو، در نگاهی دقیق‌تر، معلوم می‌شود هر دو پارادایم از موضوعات مشابهی انتقاد و راه‌حل‌های مشابهی مطرح می‌کنند. بنابراین، بین آنها هم‌پوشانی‌ها و شباهت‌های قابل توجهی دیده می‌شود؛ از جمله اینکه هر دو بر ستون‌های مشترک جامعه، اقتصاد و محیط زیست با تأکیدات متفاوت تکیه می‌کنند. در نوشتار حاضر، پس از بررسی محتوای دو پارادایم مذکور، درس‌هایی که آن دو می‌توانند از یکدیگر بیاموزند، مطرح شده و استدلال می‌شود که به دلایل فوق می‌توان آنها را در پارادایم واحد و جامع ترکیب کرد، پارادایمی که احتمالاً می‌تواند عنوان «امنیت انسانی پایدار» داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیت انسانی، توسعه پایدار، مطالعات استراتژیک، مطالعات امنیت ملی، امنیت زیست‌محیطی.

* دکترای اندیشه سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس، هم‌کار علمی و محقق گروه مطالعات پایه و روش‌شناسی در پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقدمه

از زمان پایان جنگ و کاهش اهمیت بعد نظامی امنیت ملی، محققان مطالعات استراتژیک و امنیت ملی عموماً کوشیده‌اند با تعمیق و توسیع^۱ امنیت ملی، ابعاد جدیدی برای آن قائل شوند. از جمله، در پارادایمی که مکتب مطالعاتی کپنهاگ و به ویژه تئورسین مشهور آن باری بوزان مطرح ساختند، جایی هم برای امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی گشوده شد. در این میان، توجه به امنیت زیست‌محیطی به ویژه حائز اهمیت بود. البته مسأله نسبت محیط زیست و توسعه و مفهوم توسعه پایدار، نکته‌ای است که از چند دهه قبل هم به آن توجه شده بود، اما پس از جنگ و مبحث جهانی شدن و به تبع آن ایجاد خودآگاهی سیاره‌ای (آگاهی و تفتن به این امر که یک سیاره بیش‌تر برای حیات بشری وجود ندارد و همه اجزا و عناصر آن سیاره ربط متقابل و نزدیکی با یکدیگر دارند)، دیدگاه‌های فراوانی در این خصوص طرح و نسبت محیط زیست و توسعه پایدار و همین‌طور ربط محیط زیست و امنیت مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر، در همین سال‌ها، سؤالات بنیادین مربوط به مطالعات امنیت ملی بار دیگر و این بار نه از منظری دولت‌محور، بلکه از چشم‌انداز افراد انسانی که موضوعات^۲ حقیقی امنیت به شمار می‌آیند، مورد توجه قرار گرفت. طرح سؤالاتی چون «امنیت برای چه کسی؟»، «امنیت با چه وسیله‌ای؟» و امنیت در مقابل کدام تهدید؟، باعث بروز تردیدهای اساسی درباره ضرورت و اهمیت تعاریف و تفاسیر دولت‌محور از امنیت ملی شد. جان کلام این بود که اگر دولت برای حفظ شهروندان و رفاه و کرامت آنان ایجاد شده است، آیا با تعریفی دولت‌محور از امنیت ملی لزوماً این اهداف تأمین می‌شود یا نخبگان و حاکمان با این تعاریف به جای آنکه امنیت مردم را حفظ کنند، اعمال و خط‌مشی‌های خویش را دنبال می‌کنند؟ همچنین، این سؤال مطرح بود که آیا وظیفه دولت صرفاً حفظ سرحدات و مرزهای کشور در مقابل نیروهای بیگانه است و برای رفاه و سطح زندگی مردم و کرامت انسانی‌شان مسئولیتی ندارد؟ آیا آنچه مردم تهدید و خطر قلمداد می‌کنند با تهدیدات و خطرات مورد نظر نخبگان و سیاستمداران یکسان است؟ مثلاً شهروند مشغول به کار کشاورزی، نگرانی‌اش از آفات طبیعی و مخاطرات دیگری

1 . deepening & widening

2 . Subjects

چون کم‌آبی و یا قیمت پایین محصول در بازار است و آنچه بالقوه بر زندگی و رفاه او تأثیر می‌گذارد، ارتباط چندانی با مباحثی چون سیستم‌های دفاعی و یا امور نظامی دیگر ندارد. در معروفترین و احتمالاً ساده‌ترین تعریفی که از امنیت انسانی به عمل آمده (در گزارش برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۴)، دو بعد رهایی از ترس (فیزیکی و جسمانی، بذرقتاری جنسی یا روانی، خشونت، تعقیب یا مرگ و قتل) و رهایی از حواشی و نیازها (استخدام و اشتغال، تأمین غذا و بهداشت) مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، امنیت انسانی به همه ابعاد تهدیدات متوجه امنیت افراد بشری توجه می‌کند و صرف توجه به امنیت دولتی را کافی نمی‌داند. اگرچه نسبت دو بعد امنیت زیست‌محیطی با توسعه پایدار و امنیت انسانی آشکار به نظر می‌رسد، اما محققانی که به تحقیق در یکی از شاخه‌های مذکور می‌پردازند کمتر به حوزه دیگر وارد شده و از دستاوردهای آن استفاده کرده‌اند. در این نوشتار، تلاش می‌شود نخست هر دو مفهوم امنیت انسانی و توسعه پایدار و ابعاد آنها مورد بررسی قرار گیرد و سپس، حوزه‌های هم‌پوشی آنها و دستاوردهای احتمالی هریک برای دیگری و برای بحث مهم‌تر و کلان‌تر سیاست‌گذاری امنیت ملی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

امنیت انسانی و ابعاد آن

درباره چستی و محتوای ایده امنیت انسانی مباحث فراوانی درگرفته و حتی در نام‌گذاری آن به عنوان تئوری یا مفهوم، نقطه عزیمت تحلیل، جهان‌بینی، دستور کار سیاسی و یا چارچوب سیاست‌گذاری اختلاف نظر وجود دارد. اگر در باب چستی «مفهوم» امنیت انسانی اختلاف وجود داشته باشد، بی‌شک درباره تعریف آن هم اختلافات فراوانی وجود خواهد داشت، اما همه تعاریف موجود کمابیش بر گذار از برداشت دولت‌مدارانه از امنیت تأکید می‌کنند. شاید تعریف برنامه توسعه ملل متحد^۱ که در عین حال از نخستین تعاریف امنیت انسانی به شمار می‌آید، بتواند نقطه آغاز خوبی برای بررسی باشد. در این تعریف گفته می‌شود امنیت انسانی دو وجه دارد. وجه اول ایمنی در برابر تهدیدات مزمنی چون گرسنگی، بیماری و سرکوب و وجه دوم محفوظ‌بودن در برابر آشوب‌ها و آشفستگی‌های ناگهانی و مخاطره‌آمیز در

الگوهای زندگی روزمره، در خانه، محل کار یا جامعه است (چنین تهدیدهایی در همه سطوح درآمد و توسعه ملی وجود دارند. مؤلفان گزارش برنامه توسعه ملل متحد فهرست بلندبالایی از تهدیدات متوجه امنیت انسانی را گردآورده‌اند که آن را در مقولات ذیل دسته‌بندی می‌کنند:

۱. امنیت اقتصادی، ۲. امنیت غذایی، ۳. امنیت زیست‌محیطی، ۴. امنیت بهداشتی و سلامتی،^۱
۵. امنیت شخص^۲، ۶. امنیت اجتماع^۳، ۷. امنیت سیاسی^(۲)

این فهرست عناصر امنیت انسانی که هرکدام اجزایی جداگانه نیز در خود دارند، موجب می‌شود منتقدین زبان به انتقاد از «مفهوم» امنیت انسانی بگشایند و مفیدبودن یا حتی مضربودن آن را برای تحلیل‌های استراتژیک، ادعا کنند (به این انتقادات در ادامه اشاره خواهد شد). در مقابل، محققان و مراکز تحقیقاتی مختلف نیز برای ایضاح و تبیین مفهوم امنیت انسانی و تشریح محتوا و اهمیت و تبعات طرح آن تلاش کرده‌اند. هریک از این تلاش‌ها به توضیح مفهوم مزبور کمک می‌کنند و نقاط اشتراک قابل توجهی دارند. برای تقریر محل نزاع، لازم است نخست منطق طرفداران مفهوم و ضرورت طرح آن را بیان کنیم و سپس به نقدها بپردازیم. بی‌شک منتقدان تعریف دولت‌محور از امنیت کاملاً محق‌اند که ناامنی و تهدیدات متوجه انسان‌ها فقط از تجاوز کشورهای بیگانه ناشی نمی‌شود و تهدیدات دیرسال یا نوظهوری چون جنگ‌ها و منازعات داخلی مسلحانه، نقض حقوق بشر و سرکوبگری حکومت‌های مستبد و عقب‌ماندگی، فقدان بهداشت و در معرض بیماری‌های خطرناک بودن، تخریب محیط زیست و از بین رفتن منابع سستی تأمین معاش (به دلیل فرسایش خاک) یا تغییراتی چون خشکسالی که اغلب ریشه در گرم‌شدن زمین و تغییرات اقلیمی جهانی (گلوبال) دارد و دهها موضوع دیگر، تهدیدات و مخاطراتی بالفعل خطرناک‌تر و فوری‌ترند. از ذکر نمونه‌های تهدیدات در بالا، دست‌کم می‌توان دو نکته استنباط کرد. نخست آنکه، دولت‌ها همواره و لزوماً حافظ و حامی شهروندان نیستند و چه بسا خود تهدیدی علیه حقوق و امنیت شهروندان‌شان باشند (در این باره اشاره به دو حکومت ساقط‌شده صدام و رژیم بعث و حکومت طالبان می‌تواند گویا باشد). ثانیاً بسیاری از تهدیدات متوجه انسان‌ها، از مرزهای کشور فراتر می‌روند و رفع آنها به

1 . Health Security
2 . Personal Security
3 . Community Security

همکاری چندین کشور و حتی همه کشورهای نیاز دارد و از همین روست که خودآگاهی سیاره‌ای و ضرورت حراست از سیاره زمین^۱ توسط بازیگران ملی و ماوراملی و غیردولتی به وجود آمده و تقویت شده است. حتی تهدیدات جدیدی چون تروریسم بین‌المللی، ایدز و بیماری‌های مسری و نظایر آنها، ضرورت بازنگری در مفهوم سنتی امنیت را کاملاً نمایان کرده است. اگرچه شاید در خصوص شمار و دسته‌بندی این نوع تهدیدات نوظهور و مغفول قدیمی، اجماع نظری کافی وجود نداشته باشد، اما اکثر محققان به ضرورت توجه به این تهدیدات و گنجاندن آنها در برنامه‌های امنیت ملی اذعان دارند.

منتقدین ایده امنیت انسانی را در دو دسته جای داده‌اند. نخست کسانی که امنیت انسانی را ایده‌ای جذاب، اما فاقد استحکام و محتوای مشخص تحلیلی می‌دانند. رئالیست‌ها و نئورئالیست‌ها و حتی محققانی مانند باری بوزان در این دسته جای می‌گیرند و معتقدند توسیع نامفهوم امنیت به حدی که مسایل حقوق بشری هم در آن گنجانده شود، چنین مسایلی را به مرتبه مسایل فوری و اضطراری ارتقا می‌دهد (یعنی آنها را امنیتی می‌کند).

دسته دوم منتقدین، منتقد برداشتی موسع از امنیت انسانی‌اند و با تعریف مضیق آن موافق‌اند و معتقدند محققان امنیت انسانی باید توجه خود را به عواملی معطوف کنند که باعث خشونت می‌شوند.

طرفداران برداشت موسع از امنیت انسانی، مدعی‌اند باید به فرایند تدوین و شکل‌گیری مطالعات استراتژیک توجه داشت، زیرا چنین فرایندی در اختیار آکادمیسین‌ها، محققان و مجریان و سیاستمدارانی است که دیدگاهی دولت‌محور دارند و از این‌رو، عدم انسجام امنیت انسانی نمی‌تواند دلیلی برای بی‌توجهی به آن قلمداد شود. امنیت انسانی در واقع، زبان و منطقی است که امکان توجه به دغدغه‌های اکثریت افراد نوع بشر را فراهم می‌کند. گرچه شاید این دغدغه‌ها، ذهنی و سوپژکتیو به نظر بیایند، اما نباید فراموش کرد که امنیت هم در نهایت، نوعی احساس است و تا حدودی جنبه سوپژکتیو و ذهنی دارد. به زعم طرفداران این ایده، مفهوم امنیت انسانی، به دلایل متعددی در مجامع آکادمیک با مشکل مواجه می‌شود. اولاً برای بررسی امنیت انسانی نوع تلاش تحقیقی بین رشته‌ای^۲ باید صورت بگیرد، زیرا محقق باید هم

1 . Planet Stewardship

2 . interdisciplinary

به مطالعات امنیتی آشنایی داشته باشد و هم به مباحث توسعه و فقدان چنین رویه و روشی در مراکز علمی و اجرایی، باعث می‌شود هر کس به هر آنچه واقف و معتقد است (در عرصه خویش)، بپردازد. ثانیاً برای پیشبرد فعالیت‌های تحقیقاتی باید بودجه و کمک تحقیقاتی وجود داشته باشد و کمک مالی نیز موقوف به ربط موضوعات مورد تحقیق با امور عملی است و امنیت انسانی به دلیل دوری‌اش از رویکردهای هنجاری و پوزیتیویستی، محروم از چنین بودجه‌هایی است.

به زعم طرفداران مفهوم امنیت انسانی، نگرانی منتقدان نسبت به توسعه امنیت، به نوع برداشت آنها از امنیتی‌سازی برمی‌گردد، زیرا امنیتی‌کردن را معادل و مترادف نظامی‌سازی می‌دانند. منظور از طرح مفهوم امنیت انسانی، این نیست که هر موضوع مرتبط با آن به اولویت سیاست‌گذاری بدل شود (که در آن صورت، به علت کثرت اولویت‌ها، دیگر اولیویتی وجود نخواهد داشت)، بلکه باید «آستانه‌ای» برای به مخاطره‌افتادن زندگی و کرامت انسانی افراد مشخص و مقرر شود. (۳)

بی‌شک، تعیین آستانه برای مخاطرات و تهدیدات دشوار است، زیرا گذشته از اختلاف نظرها و دیدگاهها و ایدئولوژی‌ها، از منظر فرهنگی نیز آستانه تهدید و خطر می‌تواند متفاوت باشد (تفاوت زمان و مکان را هم در تعیین آستانه نباید از نظر دور داشت). بنابراین، نباید به موارد خاص و جزئی اهمیت اساسی داد، بلکه توجه به ساختارهایی که باعث ایجاد تهدیدات و مخاطرات سیستماتیک می‌شوند، ضرورت دارد. در سیاست‌گذاری مبتنی بر رویکرد تعیین آستانه امنیت انسانی، ملاک سنجش و انتخاب خط‌مشی‌ها، تأثیر آنها بر رفاه و کرامت مردم است و این سنجش بیش از آنکه بر ارقام و داده‌های کمی مبتنی باشد، باید به صورت کیفی و در شکل اموری تعریف شود که غیرانسانی یا غیرقابل تحمل‌اند.

بنابراین، به اختصار، طرفداران توسعه امنیت انسانی معتقدند چارچوب‌های کنونی مطالعات امنیتی به امنیت انسان‌ها که موضوعات اصلی امنیت‌اند، به حد کافی توجه ندارند و سؤالات بنیادین مربوط به امنیت بار دیگر و این بار با محوریت‌دادن به امنیت واقعی و عینی انسان‌ها، انسان‌هایی که گوشت و استخوان دارند، مورد ملاحظه قرار گیرد. به عبارتی دیگر، دولت‌ها باید در کنار مسئولیت امنیتی که برای خویش قائلند (یعنی حفظ مرزها و ممانعت از تجاوز

بیگانگان) به مسئولیت‌های دیگری چون بهداشت، وضع رفاهی و سطح زندگی شهروندان توجه کنند. به این ترتیب و اگر از منظر دیگری (مثلاً منظر آزادی منفی و مثبت) به قضیه بنگریم، هم به رفع موانع و عوامل مخل توجه می‌شود و هم به توانمندسازی انسان‌ها و شهروندان. حتی برخی طرفداران امنیت انسانی مدعی‌اند تأمین رفاه و آزادی و سطح قابل قبولی از زندگی برای شهروندان، جزئی از وظایف دولت است و اگر دولتی در این خصوص قصور ورزد یا ناکام بماند، به وظیفه خویش عمل نکرده و سازمان‌های بین‌المللی حق دارند (یا وظیفه اخلاقی دارند) مداخله کنند و مردم و اهالی کشور را از دست چنین دولتی برهانند. به طبع، چنین تفسیری افراطی به نظر می‌رسد و به این دلیل، بسیاری از دولت‌ها با دیده تردید به آن می‌نگرند و از جمله دلایل کشورهای G77 یا غیر متعهدها با این مفهوم نیز نگرانی‌شان از مخدوش شدن حاکمیت و ایجاد امکان بهانه‌جویی برای مداخله‌گری است. البته آنان از امنیت انسانی انتقادات دیگری هم دارند و از جمله معتقدند امنیت انسانی مفهومی اروپامحور و حاوی ارزش‌های غربی است و ذهنیت غربیان را منعکس می‌کند.

همانگونه که از جدول شماره (۱) برمی‌آید، طرفداران امنیت انسانی می‌کوشند آن را به صورت پارادایمی در مقابل پارادایم امنیت دولت‌محور، تدوین و تکمیل کنند، اما از جمله موانع مهم در این راه، تنوع فراوان تهدیدات و تفاوت بسیار بین کشورها و حتی نواحی داخل کشورهاست و از این‌رو، در سنجش امنیت انسانی و تهیه نقشه تهدیدات نیز باید به عناصر محلی کمال اهمیت را داد.

توسعه پایدار و شاخص‌های آن

اگرچه ایده توسعه پایدار، ریشه در دهه‌های گذشته دارد، اما تدوین اولیه و مهمی که آن را در کانون توجه محافل بین‌المللی و فعالان طرفدار محیط زیست قرار داد، در گزارشی بود که به سال ۱۹۹۲ در کنفرانس معروف سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو، ارائه شد. در تعاریف متنوعی که از توسعه پایدار ارائه داده شده، بر این نکته محوری و مشترک تأکید می‌شود که در توسعه پایدار باید اطمینان حاصل شود رفع احتیاجات نسل حاضر به بهای ضعف و ناتوانی نسل‌های آتی در تأمین احتیاجات‌شان نخواهد بود.

جدول شماره ۱: مقایسه امنیت انسانی و امنیت دولت محور (۴)

امنیت انسان محور	امنیت دولت محور	
افراد هم‌ارز دولت‌اند و امنیت دولت وسیله است نه هدف	در جهان هابزی، دولت مرجع امنیت و امن بودن دولت به معنای امن بودن سکنه آن است	مرجع امنیت
ایمنی شخصی، رفاه و آزادی افراد: ۱. ایمنی فیزیکی و تمهیدات حواشی اساسی ۲. آزادی شخصی (آزادی تجمع) ۳. حقوق بشر؛ حقوق اقتصادی و اجتماعی	حاکمیت، قدرت، تمامیت ارضی و استقلال ملی	ارزش امنیتی
خشونت مستقیم و غیرمستقیم از منابع مشخص (دولت یا بازیگران غیردولتی) یا از منابع ساختاری (روابط قدرت از خانواده گرفته تا اقتصاد جهانی) • خشونت مستقیم: قتل، مواد مخدر، رفتار غیرانسانی، تبعیض، مناقشات بین‌المللی و سلاح‌های کشتار جمعی • * خشونت غیرمستقیم: محرومیت، بیماری، فجایع طبیعی، توسعه‌نیافتگی جابه‌جایی جمعیت، فرسایش، محیط زیست، فقر و نابرابری	خشونت سازمان‌یافته مستقیم دولت‌های دیگر و خشونت و اجبار دول دیگر	تهدیدات امنیتی
پیشبرد توسعه انسانی؛ نیازهای اساسی به اضافه برابری، پایداری و دموکراتیزاسیون و مشارکت بیشتر در همه سطوح، پیشبرد توسعه سیاسی؛ هنجارها و نهادهای بین‌المللی به اضافه استفاده جمعی از زور و مجازات در صورت نیاز، همکاری بین دولت‌ها، اتکا به نهادهای بین‌المللی، شبکه‌ها و ائتلافات‌ها و سازمان‌های بین‌المللی.	زور تلافی‌گراانه یا تهدید به استفاده از آن، توازن قدرت، ابزارهای نظامی، تقویت قدرت اقتصادی، توجه اندک به رعایت قوانین یا نهادها	ابزارهای تأمین امنیت

محور پایداری^۱ یا آنچه باید برای نسل‌های آینده هم حفظ شود، استفاده پایدار از منابع طبیعی است و در سال‌های اخیر علاوه بر منابع، حفظ محیط سالم برای زندگی هم مورد توجه قرار می‌گیرد. برخی طرفداران توسعه پایدار، حفظ گونه‌ها و تنوع زیستی^۲ و حقوق طبیعت را هم مورد توجه قرار می‌دهند. در خلال بحث‌های صاحبان این طرز تفکر، حفظ گونه‌های فرهنگی^۳ هم محل بحث است و معتقدند برای جوامع متنوع نیز باید حق حیات و بقا قائل شد. در بحث توسعه پایدار، توجه زیادی به حوزه اقتصادی و افزایش رشد و تولید شده و ایجاد فرصت‌های اشتغال و مصرف ناشی از رشد، از اهداف آن به حساب آمده است. ثروت انگیزه سرمایه‌گذاری برای تولید بیشتر و حفظ محیط زیست را به وجود می‌آورد. مبحث توزیع رشد و ثروت نیز برای ریشه‌کنی فقر و ایجاد عدالت بسیار مهم است.

در کنار موازین و مباحث اقتصادی، به حوزه سیاسی و ایجاد نهادها و سازمان‌هایی برای مباحثه، مشارکت، مذاکره، حل اختلافات و تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها در سطوح گوناگون اداری و سیاسی نیز توجه می‌شود. ظرفیت‌سازی و ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی هم مورد توجه است.

علاوه بر دو مورد فوق، کمیّت و کیفیت زندگی مردم و تقویت امکانات و توسعه گزینه‌های موجود در اختیار افراد، از عناصر مهم توسعه پایدار به حساب می‌آیند. منظور از توسعه انسانی، ممانعت از مرگ و میر کودکان، افزایش امید به زندگی، سواد و اطلاع، توانمندسازی سیاسی و دسترسی به منابع طبیعی و زیست‌محیطی سالم است. (۵) محققان قائل به سه حوزه پایداری‌اند و یا سه ستون پایداری را مشخص می‌کنند: اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی و این هر سه را هم‌ارز و برابر می‌دانند. همانطور که در ادامه خواهیم گفت، در توسعه پایدار و امنیت انسانی، مشترکاً بر این سه پایه تأکید می‌شود.

موازین و شاخص‌های اولیه توسعه پایدار در کنفرانس ریودوژانیرو (۱۹۹۲) مطرح شد و کمیسیون توسعه پایدار آن را مورد تصویب قرار داد. در سطح بین‌الملل، کمیسیون توسعه پایدار دو مجموعه شاخص‌ها را در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱ تنظیم کرد. بر اساس شاخص‌های

1 . Sustainability
2 . Biodiversity
3 . Cultural Species

مزبور، کشورهای بسیاری شاخص‌های توسعه پایدار خویش را تهیه و تنظیم کردند. در سال ۲۰۰۲ و در اجلاس سران جهان راجع به توسعه پایدار و تصمیمات کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد، «نسخه» جدیدی از شاخص‌های توسعه پایدار، فراهم آمد. در اینجا، به‌رغم تفصیل زیاد، تلاش می‌شود شاخص‌های اصلی و محوری توسعه پایدار، بر اساس موازین کمیسیون توسعه پایدار (CSD)، ارائه شود تا زمینه و امکان نسبت‌سنجی بین توسعه پایدار و امنیت انسانی فراهم شود. در این مجموعه، تقسیم‌بندی سابق توسعه پایدار به چهار ستون (اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نهادی)، کنار گذاشته شده تا برسرشت چندبعدی توسعه پایدار تأکید شود؛ زیرا بسیاری از شاخص‌ها خود به چندین حوزه ارتباط دارند (مانند فقر یا الگوهای تولید). پیش از بیان و ذکر شاخص‌های توسعه پایدار از نظر کمیسیون توسعه پایدار، باید اشاره کرد که از نظر کمیسیون مزبور، ۱۴ حوزه وجود دارد که باید در توسعه پایدار مورد توجه باشد و در هر حوزه، چندین شاخص (به فراخور موضوع) مطرح است.

جدول شماره ۲: شاخص‌های توسعه پایدار برحسب جدیدترین شاخص‌بندی CSD (۶)

حوزه	حوزه فرعی	شاخص‌های اصلی
فقر	فقر درآمدی	نسبت جمعیت زیرخط فقر ملی
	نابرابری درآمدی	نسبت سهم بالاترین بیست درصد به پایین‌ترین آن
	بهداشت	نسبت جمعیت بهره‌مند از امکانات بهداشتی پیشرفته
فقر	آب آشامیدنی	نسبت جمعیت برخوردار از منبع آب
	دسترسی به انرژی	نسبت خانواده‌های محروم از برق یا دیگر خدمات انرژی مدرن
	شرایط زیست	جمعیت شهری ساکن حلی آبادها و آلودگها
حکومت‌داری Governance	فساد	درصد جمعیت رشوه‌خوار
	جرم و جنایت	نسبت قتل در هر یکصد هزار نفر
سلامتی و بهداشت	مرگ و میر	نرخ مرگ و میر زیر پنج سال
	مراقبت بهداشتی و پزشکی	امید به زندگی در زمان تولد
		نسبت جمعیت دارای دسترسی به

امکانات بهداشتی اولیه ایمن‌سازی در مقابل امراض عفونی کودکان		
وضع تغذیه کودکان	وضع تغذیه	
مرگ و میرناشی از امراض مهمی چون ایدز مالاریا و سل	وضع سلامت و ریسک‌ها	
نسبت افرادی که وارد آخرین مرحله تحصیلات ابتدایی می‌شوند	سطح تحصیل	آموزش و پرورش
نرخ خالص ثبت نام در تحصیلات ابتدایی		
سطح حضور بزرگسالان در مدارس مقاطع بالا		
نرخ سواد بزرگسالان	سواد	
نرخ رشد جمعیت	جمعیت	
نسبت وابستگی		
	تروریسم	
نسبت جمعیت ساکن در نواحی فاجعه خیز	آسیب‌پذیر در برابر فجایع طبیعی	فجایع طبیعی
	آمادگی برای مواجهه با فجایع طبیعی	
میزان خروج و تولید کردن دی‌اکسیدکربن		
میزان استفاده از مواد مضر برای لایه ازون	پارگی لایه ازون	
	کیفیت هوا	
	استفاده از زمین و وضع آن	زمین
	بیابان‌زایی	
نواحی قابل کشت و نواحی زیر کشت دائم	کشاورزی	
نسبت جنگل‌ها به مساحت زمین	جنگل‌ها	
نسبت کل جمعیت ساکن در نواحی ساحلی	ناحیه ساحلی	اقیانوس‌ها، دریاها و سواحل
نسبت ذخایر ماهیان با ملاحظه محدودیت‌های ایمن بیولوژیک	ماهی‌گیری	
میزان مناطق دریایی تحت حفاظت	محیط زیست دریایی	
میزان کل منابع آن مورد استفاده	کمیت آب	آب سالم

میزان استفاده از آب برای فعالیت اقتصادی	کیفیت آب	
میزان مواد سمی در آب آشامیدنی		
نسبت مساحت اراضی تحت حفاظت، مجموع آن و نسبتش به ناحیه اکولوژیک	اکوسیستم	تنوع زیستی
تغییرات در وضع تهدید بقای گونه‌ها	گونه‌ها	
تولید ناخالص داخلی سرانه	عملکرد اقتصادی کلان	توسعه اقتصادی
سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی		
نسبت قرض به درآمد ناخالص داخلی (GNI)	مالیه عمومی پایدار	
نسبت جمعیت به اشتغال	اشتغال	
بهره‌وری کاری و هزینه‌های واحدکار		
سهم زنان در اشتغال در بخش غیرکشاورزی		
نسبت کاربران اینترنت از هر صد نفر	تکنولوژی‌های ارتباطاتی و اطلاع‌رسانی	
	تحقیق و توسعه	
سهم تروریسم در تولید ناخالص داخلی (GDP)	تروریسم	
کسری تراز جاری به درصد (GDP)	تجارت	مشارکت اقتصادی جهانی (گلوبال)
کمک مالی خالص برای توسعه که به صورت درصدی از درآمد ناخالص داخلی دریافت یا پرداخت می‌شود.	جذب سرمایه از خارج	
جریان مادی اقتصاد	مصرف مواد	الگوهای مصرف و تولید
کل مصرف سالانه انرژی و برحسب مقوله مصرف‌کننده اصلی	استفاده از انرژی	
کل جریان استفاده از انرژی و برحسب فعالیت اقتصادی		
تولید زباله‌های خطرناک	تولید و مدیریت زباله	الگوهای تولید و مصرف
تصفیه و بازیافت زباله‌ها		
توزیع حمل و نقل مسافرین با وسایل متفاوت	حمل و نقل	

به‌رغم تأکید طراحان شاخص‌های توسعه پایدار مبنی بر اینکه از حوزه‌بندی شاخص‌ها، به دلیل چندبعدی بودن پدیدار توسعه پایدار اجتناب می‌کنند، باز هم می‌توان ملاحظه کرد که سه حوزه مذکور، یعنی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، وجوه غالب‌اند (بعد سیاسی یا نهادی آن چنان برجسته نیست). بنابراین، از این حیث، نوعی همپوشانی و تداخل بین دو جریان فکری و سیاست‌گذاری امنیت انسانی و توسعه پایدار به چشم می‌خورد.

اشتراکات و هم‌پوشانی‌های توسعه پایدار و امنیت انسانی

دو حوزه فکری و مطالعاتی فوق، در دوره و مبدأ زمانی نسبتاً واحدی مطرح و شکوفا شدند. بنابراین، می‌توان حدس زد بین آنها از جهات مختلف اشتراک و همپوشانی وجود داشته باشد؛

اولاً هر دو از سائق‌های نسبتاً مشابهی برخوردارند؛ یعنی انگیزه طرح و بحث هر دو وجود نقایص و عیوب در پارادایم دولت‌محور امنیت بود. هر دو دسته محققان بر این تصور بودند که پارادایم غالب دولت‌محور، بسیاری از حوایج اساسی و ضروری را مغفول می‌نهد و در عوض، چیزی را که وسیله است (دولت)، موضوع و مرجع اصلی امنیت نشان می‌دهد.

ثانیاً هر دو حوزه فکری، بر ابعاد یا ستون‌های مشابهی تکیه می‌کنند. هر دو بر مسایل توزیع عادلانه و ریشه‌کنی فقر، حفظ محیط زیست و استفاده صحیح از آن تأکید دارند. به طبع، اشتراک در حوزه بحث به اشتراک در شاخص‌ها نیز منجر می‌شود، هرچند در جزئیات یا انتخاب برخی شاخص‌ها، اختلاف نظرهای گریزناپذیری بروز خواهد کرد (کمااینکه موارد فراوانی از شاخص‌های توسعه پایدار حتی برای کشور واحد، دیده می‌شود).

ثالثاً اشتراک در حوزه‌ها و موضوعات می‌تواند نمودار نوعی جابه‌جایی پارادایمی^۱ باشد و این جابه‌جایی می‌تواند حاصل پدیدارهای دیگری چون جهانی شدن قلمداد شود. آگاهی به این نکته که مردمان نقاط مختلف جهان، مشکلات مشابهی دارند (فقر، بی‌کاری، فساد، تخریب محیط زیست جهانی و تغییرات اقلیمی) و حل آنها نیازمند هم‌کاری همگان است، می‌تواند انگیزه طرح و بحث دو حوزه فکری و سیاست‌گذاری باشد که قرابت زیادی با هم دارند. در

1 . Paradigm shift

عین حال، بیش از هر حوزه‌ای، اشتراک دو حوزه در مسأله محیط زیست است که البته، به راحتی به حوزه‌های دیگر هم کشیده می‌شود. به هر حال، شباهت‌ها و اشتراکات دو حوزه و دو مفهوم به این معناست که دستاوردها و نکات مهم یکی می‌تواند برای دیگری مفید و مکمل باشد.

آنچه توسعه پایدار از امنیت انسانی می‌آموزد

امنیت انسانی می‌تواند به مبحث توسعه پایدار نکات مفیدی اضافه کند و توجهات را به برخی وجوه مغفول جلب نماید:

یک. محققان و سیاست‌گذاران، به مباحث و موضوعات کلان اقتصادی و زیست‌محیطی توجه دارند و مبحث توسعه انسانی و امنیت انسانی که بر تقویت ستون اجتماعی توسعه پایدار تأکید دارد، می‌تواند به هدف‌گذاری و تعیین اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده کشورها کمک کند. به عبارت دیگر، اهداف و اولویت‌هایی که مورد توجه امنیت انسانی است، می‌تواند در تقویت ستون اجتماعی توسعه پایدار به کار آید و باعث تجدید نظر و تنظیم مجدد آنها شود.

دو. امنیت انسانی و توسعه انسانی با تجزیه و تحلیل ستون اجتماعی توسعه پایدار، از مفهوم «استاندارد زندگی» فاصله می‌گیرد و به «زندگی‌های پایدار» توجه می‌کند و رویکرد نخست به آزادی‌های خاصی اولویت می‌بخشد که فقدان آنها ممکن است در استاندارد زندگی تأثیر محسوسی نداشته باشد. در عین حال، رویکرد «زندگی‌های پایدار» به سرشت متنوع و پلورالیستی زندگی در نقاط مختلف و الزامات آنها توجه می‌کند و زندگی پایدار در همه نقاط لزوماً یک‌شکل و مشابه نخواهد بود.

سه. اشاره شد که امنیت انسانی دو وجه دارد؛ وجه اول رهایی از نیازهای مادی و اولیه انسانی و وجه دوم ابعاد غیرمادی یا به تعبیر دیگر کیفی است (۷) و این وجه دوم شامل مشارکت آزادانه در حیات اجتماعی، استقلال فردی و رهایی از ساختارهای سرکوبگر است. همین وجه می‌تواند توسعه پایدار را از توجه و تمرکز بر نیازها به تمرکز بر حقوق و حق‌محوری در عرصه فرصت‌ها و امکانات سوق دهد. معنای این کلام آن است که در کنار حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توجه به حقوق مدنی و سیاسی هم در اولویت قرار

می‌گیرد و جزیی از برنامه توسعه پایدار می‌شود. به عبارت دیگر، در توسعه پایدار باید به توانمندسازی هم توجه داشت، یعنی بعد مثبت آزادی (قدرت و امکان) در کنار بعد منفی آن (رهایی از موانع و قیود) طرح می‌شود.

چهارم در رویکرد توسعه پایدار، به درستی بر حقوق نسل‌های آینده تأکید شده و استدلال می‌شود باید امکانات و منابع به صورتی عادلانه بین نسل‌ها تقسیم شود. در عین حال، عدالت در جامعه بالفعل موجود و به عبارت دیگر، عدالت در داخل یک نسل، از نظرها دور مانده است. از این حیث، افزوده پارادایم امنیت انسانی به توسعه پایدار، عنایت به عدالت در بین همه نسل‌های فعلی و آتی است.

آنچه امنیت انسانی از توسعه پایدار می‌آموزد

توسعه پایدار افزوده‌ها و بینش‌های قابل توجهی برای تقویت و تکمیل رویکرد امنیت انسانی دارد:

یک. پارادایم امنیت انسانی به ستون جامعه در توسعه پایدار اهمیت فراوانی می‌دهد اما توسعه پایدار بر وابستگی متقابل جامعه و طبیعت تأکید می‌کند. این وابستگی متقابل بدان معناست که محیط زیست و جامعه می‌توانند برای همدیگر فرصت‌زا و تهدیدزا باشند. تخریب محیط زیست، امکان و قابلیت زندگی انسان‌ها را از میان می‌برد و فجایع مهمی را باعث می‌شود. از سوی دیگر، حمایت و حراست از محیط زیست و تقویت آن تأثیرات مثبتی بر زندگی، رفاه و فرصت‌های ارتقا و رشد انسان‌ها خواهد داشت، زیرا علاوه بر بهره‌برداری از محیط زیست سالم و اکوسیستم کامل و بی‌نقص، از آسیب‌پذیری جوامع خواهد کاست. بنابراین، توجه به رابطه متقابل جامعه و طبیعت برای طرح و تأمین امنیت انسانی و نظریه‌پردازی در آن باره لازم است. به طبع، وابستگی متقابل طبیعت و جامعه امکان افزایش و ارتقای امنیت انسانی از طریق تقویت و حراست از طبیعت را نیز به عنوان بهترین گزینه در رابطه متقابل فوق، مطرح می‌کند.

دو. تهدیدات و فرصت‌هایی که از انسان‌ها به لحاظ زمانی یا مکانی دورند، کمتر جدی قلمداد می‌شوند و شاید از این‌روست که توافقات قابل ملاحظه بین‌المللی برای حفظ محیط زیست کره ارض حاصل نشده است. بنابراین، در آن مناطق و نواحی که دارای اشتراک در منافع یا

ریسک می‌باشند، امکان توافق و هم‌کاری بیشتری وجود دارد. از این حیث، توسعه پایدار که به نواحی و مناطق و مخاطرات متوجه آنها بیشتر توجه دارد، می‌تواند راهنمایی برای تهیه نقشه ریسک امنیت انسانی باشد، زیرا امنیت انسانی بی‌عنایت به مناطق و نواحی خاص، بحثی تئوریک و دور از عمل خواهد ماند.

سه. برای تدوین خط‌مشی و استراتژی کامل امنیت انسانی، باید به مشکلات و شکایات انسان‌ها و جوامع گوش داد. برای این منظور، باید انسان‌ها و جوامع توانمند شوند تا بتوانند آرا و نظرات خویش را بیان کنند. برنامه‌ریزی از بالا به پایین و تکنوکراتیک که برحسب تفکرات و آراء متصدیان و بوروکرات‌ها صورت می‌گیرد نمی‌تواند جوابگوی نیازهای انسان‌ها باشد. به این ترتیب می‌توان دید دو پارادایم نکات متعددی به یکدیگر می‌آموزند و از جهات گوناگون می‌توانند مکمل همدیگر باشند.

نتیجه‌گیری

دو مفهوم یا پارادایم امنیت انسانی و توسعه پایدار، از اوایل دهه ۱۹۹۰ و پس از ختم جنگ سرد با توجه به کاستی‌ها و اشکالات رویکرد دولت‌محور امنیت و توسعه لجام گسیخته مطرح شدند. هر دو عمدتاً بر رشد هماهنگ و همگام سه ستون اجتماع، اقتصاد و محیط زیست تأکید دارند و هر دو دارای نقاط اشتراک و توصیه‌های مشابهند. از هر دو ایده به دلایل گوناگون، انتقاداتی به عمل آمده است. محققان مطالعات امنیتی و استراتژیک، ایده امنیت انسانی را متفرق‌کننده بحث امنیت و فاقد استحکام می‌دانند و معتقدند برای سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی، کاربرد چندانی ندارد. از پارادایم توسعه پایدار هم، به ویژه در جهان سوم (به دلایلی چون غرب‌محوری تئوریک آن) انتقاد به عمل آمده است. این انتقادات به صیقل خوردن دو پارادایم و اصلاح و تکمیل آنها کمک کرده و هر یک را دارای شاخص‌های نسبتاً مشخص و حتی قابل سنجش کرده است. در این نوشتار تلاش شد با نشان دادن نقاط اشتراک و شباهت دو پارادایم، برای امکان جمع آنها استدلال شود. به عبارت دیگر، با توجه به شباهت مبانی و شاخص‌ها و تکمیل‌کنندگی مشهود بین دو پارادایم این احتمال را به قوت می‌توان مطرح ساخت که در آینده، دو ایده مذکور با عنوانی جدید (مثلاً امنیت انسانی پایدار) ترکیب شوند.

در آن صورت، هم به ربط و وابستگی متقابل جامعه و طبیعت و هم به تأمین حقوق نسل‌های موجود و آتی و برقراری عدالت بین آنها، با کمک آرا و خواسته‌هایی که از انسان‌ها و جوامع توانمند (و نه بوروکرات‌ها که از بالا برنامه‌ریزی می‌کنند) دریافت می‌شود، توجه و برنامه‌ای شامل اهداف هر دو پارادایم تدوین خواهد شد.

یادداشت‌ها

1. Sharbanou Tajbaksh. *Human Security; Concepts and Implications, with an application to post – intervention challenges in Afghanistan*, Les Etnde du CERI, Septembre 2005, p.5.
 2. United Nations Development Programe (UNDP), *Human Development Report 1994*, NewYork: Oxford University Press. Available online at; [http:// www.undp. Org/hdro/1994/94.html](http://www.undp.Org/hdro/1994/94.html).
 3. Shahrbanou Tajbaksh, Ibid, pp. 6-8.
 4. Ibid. p. 28
- جدول‌ها و طرح‌های متفاوت و متنوع دیگری از امنیت انسانی نیز تهیه شده است. جدول داخل متن به خاطر گویایی و سادگی‌اش انتخاب شده است. حسب نمونه می‌توان به جدول مفصل‌تر زیر مراجعه کرد:
- Jorge Nef, *Third systems, Human Security and Sustainable development*, pp. 52-3, available online at: [http:// www. Patelcenter. Usf.edu/assets / pdf / Sus DevNef. pdf](http://www.Patelcenter.Usf.edu/assets/pdf/SusDevNef.pdf)
5. Sanjeev khagram, William C. Clark and Firas Raad, From The Environment and Human Security to Sustainable Security and Development", *Jurnal of Human Development*, Vol. 4, No. 2july 2003, pp. 296-8.
 6. Indicators of Sustainable Development: Guidelines and Methodogies, Third Edition, October 2007, pp. 10-14.
 ۷. کارولین توماس، حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲، صص ۲۷ – ۲۶.
 8. Sajeev Khagram etal., Ibid.pp. 300-301.